

صفحه ۳	صفحه حزب
صفحه ۴	رویدادهای ایران
صفحه ۴	نگاهی به اخبار جهان
صفحه ۴	اظهارات داخل

مصاحبه رادیو اترناسیونال با منصور حکمت درباره آزادی بیان (۲)

صفحه ۲

تحول جدید در اوضاع سیاسی اندونزی: کارگران به میدان آمده اند

صفحه ۳

به کارگران نفت

پرچم جنبش مجامع عمومی را برافرازید

رفقا، رویارویی های مهمی در پیش است که التیماتم اخیر شما کارگران نفت به دولت اسلامی تنها جزئی از آن است. کل جامعه دارد بسمت رویارویی های عظیمی با دستگاه و نظام حاکمه پیش می رود. بحث از بخیا بان ریختن مردم است. صحبت از کودتا و ضد کودتا است و غیره و غیره. سوال واقعی برای همه ما این است طبقه کارگر و بویژه کارگران نفت چگونه وارد این کشمکش میشوند و چگونه از آن خارج میشوند؟

این دیگر دانسته همه است که رگ حیات جنبش کارگری تشکل و اتحاد است. اما کدام تشکل و چگونه اتحادی؟ خواست داشتن تشکل یک مطالبه دائمی شما نیز بوده و هست. در مبارزات شورانگیز سال ۷۵ شما خواهان برسمیت شناختن نمایندگان منتخب تان از طرف دولت و وزارت نفت شدید، این در واقع تلاش برای تحمیل نوعی تشکل بود. این خواست طبعا در صدر مطالبات شما در دور جدیدی از رویارویی با جمهوری اسلامی سرمایه قرار میگیرد.

تحمیل سیستم نمایندگی کارگری قدم مهمی به جلوس، ولی حتی در صورت تحقق این خواست، جای تشکل زنده و فعالی که توده کارگران را در برمیگیرد و ابتکار و عمل آنها را سازمان میدهد هنوز خالی است. قدرت نمایندگان منتخب کارگران خود هنوز تابعی است از اینکه توده کارگر چقدر در محل کار و در پایین متشکل اند. تشکل های پایه توده کارگر در هر شیفت و هر واحد، در هر پالایشگاه و تلمبه خانه که قادر باشند هر زمان لازم شد به میدان بیایند، نقطه اتکاء اصلی شما و نمایندگان تان در هر نبرد سراسری است.

مجمع عمومی منظم کارگران <آ> بنا به سنت شورایی انقلاب ۵۷ که خود شما پیشتاز آن بودید بهترین و موثرترین شکل اتحاد توده ای کارگران است. جایی که توده کارگر منظم اجتماع میکند، بحث و تبادل نظر میکند، نیروی خود را میسازد، تصمیم میگیرد، نماینده و مسئول برای پیشبرد تصمیمات مجمع انتخاب میکند و بالاخره از نمایندگان خود حسابرسی میکند. مجمع عمومی منظم بی شک پاسخ مناسب به نیازهای مبارزه جاری است، و در عین حال سنگ بنای شوراها و تدارک برای نبردهای سرنوشت ساز آتی است. امروز قدم اساسی در راه متشکل شدن، برپایی مجمع عمومی، منظم کردن آن و تحمیل آن به دولت و کارفرما در تمامی واحد های صنعت نفت است. با توجه به ارتباطات سراسری قوی که بین کارگران بخش های مختلف صنعت برقرار است، یک جنبش مجامع عمومی منظم نیروی ما را صدها برابر خواهد کرد.

برپایی جنبش مجمع عمومی منظم توسط کارگران نفت، یک پیشروی بزرگ برای کل طبقه کارگر ایران است. مثل هر مورد دیگر، بمجرد اینکه شما کارگران نفت قدمی به جلو بردارید، بخشهای دیگر طبقه کارگر در راهی که شما کوبیده اید، قدم میگذارند. به این معنی برپایی مجمع عمومی منظم از سوی کارگران نفت، پیشروی بسوی برپایی تشکل های واقعی کارگری در سطح جامعه است. آن چیزی که طبقه کارگر چه برای گرفتن حق و حقوق خود در همین مبارزه رودرو و هم در رویارویی مای عظیم آتی و برقراری آزادی و برابری به آن نیاز دارد.

پیروز باد مبارزه کارگران نفت

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته داخل
۲۴ خرداد ۷۷ (۱۴ ژوئن ۹۸)

اعتراض شدید مخالفان رژیم اسلامی به حضور کمال خرازی در نیویورک

در پی شکست مفتضحانه سفر مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به استکهلم، کمال خرازی وزیر امور خارجه رژیم نیز در نیویورک مورد اعتراض شدید مخالفان جمهوری اسلامی قرار گرفت. بنا به اطلاعیه کمیته آمریکای حزب کمونیست کارگری ایران (۱۰ ژوئن ۹۸)، کمال خرازی که برای شرکت در کنفرانس سازمان ملل پیرامون ترافیک مواد مخدر (!؟) در نیویورک بود، روز ۹ ژوئن هنگام خروج از هتل محل اقامتش، مورد اعتراض شدید گروهی از مخالفان رژیم قرار گرفت و تعدادی تخم مرغ گندیده به نشانه اعتراض سمبلیک به جمهوری یکصد هزار اعدام به طرف او و تروریستهای همراهش پرتاب شد که به سر و صورت خرازی و گاردش اصابت کرد. به دنبال این اقدام اعتراضی، خرازی و همراهانش وحشت زده به داخل هتل فرار کردند. پلیس برای حفاظت از آنان و بمنظور پراکنده کردن صف مخالفان اقدام به دستگیری چهار تن از تظاهرکنندگان، دو زن و دو مرد، کرد. در ادامه اطلاعیه آمده است: نمایندگان و کارگزاران رژیم اسلامی نه در پناه پلیس آمریکا قادر به حفظ امنیت خودشان خواهند بود و نه حمایت سیاسی دولتهای غربی از این رژیم در سرنوشت محتوم جمهوری اسلامی تغییری خواهد داد. دستگاه پلیسی این دولتها بیهوده تلاش میکنند اعتراض مخالفان و آزادیخواهان، علیه نمایندگان و کارگزاران رژیم اسلامی - ضد بشری، را سد کنند. ما قاطعانه اعلام میکنیم: تا زمانی که زندانهای جمهوری اسلامی مملو از آزادیخواهان است، زبان آزادیخواهان را میسرنند، کارگران و کمونیستها را به گلوله می بندند، پاسخ اعتصاب کارگری را با سرنیزه میدهند، به دختران ۹ ساله تجاوز اسلامی می کنند، زنان و مردان را بخاطر عشق ورزیدن سنگسار می کنند، آپارتاید جنسی به زندگی و هستی نیمی از جامعه تحمیل می کنند، حرمت انسان را لگدمال می کنند؛ تا زمانی که دست خونین مذهب از زندگی مردم کوتاه نشده و رژیم اوباشان اسلامی سر کار است، هیچیک از مقامات و سران رژیم از اعتراض ما در امان نخواهند بود! جمهوری اسلامی رفتنی است و باید سرنگون شود. رژیم اسلامی نماینده مردم ایران نیست و در هیچ مجمع بین المللی نباید پذیرفته شود! سران رژیم اسلامی بجرم جنایت علیه بشریت باید محاکمه شوند!



"صدای کمونیسم کارگری" یک نشریه گویا در شبکه اینترنت است که در چهارچوب برنامه و سیاستهای اعلام شده "حزب کمونیست کارگری ایران" فعالیت میکند. "صدای کمونیسم کارگری" ارگانی حزبی نیست! "صدای کمونیسم کارگری" فعالیتهای خود را از طریق مصاحبه با رهبران و کادراهای حزب کمونیست کارگری انجام میدهد و تلاش میکند تا در قبال تحولات سیاسی با مصاحبه های خود عکس العمل ها و واکنشهای رهبری حزب کمونیست کارگری را از طریق شبکه اینترنت نیز در دسترس علاقمندان قرار دهد. علاوه بر این، این نشریه میکوشد با مصاحبه های خود چهره گویایی از "حزب کمونیست کارگری" به جامعه ارائه دهد. علی جوادی مدیر مسئول "صدای کمونیسم کارگری"

سازمان جهانی کار باید پاسخ بدهد

بازی

مسابقه ایران-آمریکا یک بازی هیجانانگیز و تماشایی بود. در دسته مسابقاتی قرار می گرفت که با نزدیکی به جوهر زیبا و عمیق بازی به معنای عام آن، از تنگنظریها و بخله ها، که سیر تحولات تاریخی و اجتماعی به بازیهای ورزشی تحمیل کرده است، دور میشوند و خود نفس بازی، بعنوان تبلور رابطهای بین انسانها، در مرکز توجه قرار میگیرد. مثل بازی بچه ها که میتواند ساعتها ادامه پیدا کند و تنها هدفش شادی و خنده است. و رقصی بی هدف که یک برنده ندارد، خاصیتش تحلیل رفتن در یک شادی جمعی است. خستگی دلپذیر لحظات زیبا و فراموش نشدنی زندگی.

اما جام جهانی ۹۸ با این خصلتش برجسته نمیشود. نمیتوان از کنار خشونت هولیگانها رد شد. بعد از بروز اولین خشونتها پلانتو کاریکاتوریست خوش فکر لوموند طرحی کشید که در آن یک هولیگان به قاضی و دکتر و پلیس می گفت: "بعد از حشیش به سراغ مخدرات قوی رفته: الکل، فوتبال و ناسیونالیسم". خشونت ذاتی بازی فوتبال نیست. حتی تبدیل آن هم به مسابقه و رقابت، بطور اجتنابناپذیر آنرا خطرناک نمیکند. تاثیراتی هم که الکل در مصرفکننده اش ایجاد میکند، به شرایط بیرونی بستگی دارد. در این مورد، این شرایط بیرونی سازماندهی ایدئولوژیک سیاسی شده اند. تمام سیاستمداران و رسانههایی هستند که در تنور ناسیونالیسم می دمند. بویژه اینکه اگر توجه کنیم که آرامش بازی ایران-آمریکا هم سازماندهی سیاسی-ایدئولوژیک شده بود. دو دولت میخواستند آنرا به ابزاری برای نزدیکی تبدیل کنند.

و در این سوی مانش؟

بعد از واقعه زخمی شدن و به کومارفتن یک ژاندارم در جریان وحشیگریهای هولیگانها، سرمقاله فیگارو با لحنی خشمگین نوشت: "انگلستان و آلمان مسئول خشونتهایی هستند که در فرانسه اتفاق می افتد... هولیگانهای انگلیسی محصول احساسات ضدفرانسه ای هستند که برخی رسانه های آن سوی مانش دامن می زنند... قلمچماقهای آلمانی میراثداران یک ایدئولوژی تنوازی هستند که با آن مدارا می شود."

فیگارو منعکس کننده تمایلات وقت راست فرانسه و خط دهنده آن است. نویسنده این سرمقاله، آلن پیرفیت، از یاران دوگل، اولین کسی است که از نزدیکی راست کلاسیک به راست افراطی (فاشیست) دفاع کرد و این روزنامه ای که کمیته تحریریه اش تحت ریاست او قرار دارد نقش مهمی در "محرتم سازی" نیرومندترین حزب فاشیستی اروپای امروز جبهه ملی و رهبرش لوین ایفا کرد. همین روزنامه به نمایش سمبلیکی که در ابتدای مسابقات جام جهانی فوتبال اجرا شد و هدفش بیان نزدیکی نژادها بود، ایراد گرفت و بر شکل ملی تقسیم بندی انسانها تاکید کرد.

و در آن سوی سال ۲۰۰۰؟

بندرت لحن یک سرمقاله فیگارو، آن هم با امضای بالاترین مسئولش، تا این حد آشکارا ضدآلمانی و ضدانگلیسی بوده است. بندرت واقعاتی میتوانست تا این حد آشکارا هر گونه ناسیونالیسمی را بر کرسی اتهام بنشانند. اما خرد اجتماعی و سیاسی طبقات و نمایندگان فکری آنها هیچگاه منافع پایهای و بنیادهای حیاتشان را زیر سوال نمی برد، و ناسیونالیسم هنوز یک رکن اصلی حیات بورژوازی را تشکیل میدهد. هرچقدر هم که جنایت بکند.

کارشناسان می گویند هولیگانسیم باشگاهی تا حد زیادی کنترل شده است، اما هنوز در رابطه با تیمهای ملی به حیات خود ادامه می دهد. در همین فیگارو تحلیلی را نقل کرده بودند که قضیه دریفوس در ۱۸۹۸ را پیش درآمدی بر جنگ جهانی اول ارزیابی می کرد. آیا هولیگانسیم جام جهانی ۱۹۹۸ را هم بعدها بعنوان نشانه ای از جنگی خواهند دانست که هزاره سوم را شروع خواهد کرد؟ فال بد نزنیم! اما منتظر هم نمایم. تا آنجا که به انتخاب آگاهانه مان برمی گردد، علیه هر چیزی که رابطه بین انسانها و جوامع را مسموم و خونین می کند، مقابله کنیم. ناسیونالیسم یکی از خطرناکترین آنهاست.

مصاحبه رادیویی با منصور حکمت درباره آزادی بیان

بخش اول متن کتبی شده مصاحبه رادیو انترناسیونال (استکهلم)، با منصور حکمت درباره آزادی بیان در ایسکرای ۷ درج شد. آنچه میخوانید ادامه این مصاحبه است:

رادیو انترناسیونال: در رابطه با همین صحبتی که شما کردید، اطلاعیه‌ای در "کار" ۱۸۱ ارگان اکثریت، به امضای اکثریت، حزب دمکراتیک مردم ایران و جمهورخواهان ملی ایران درج شده که افشاگری ما علیه مهاجرانی و سرورش را یک عمل خشونت آمیز و حمله شخصی تلقی کرده و آن را محکوم کرده اند. نظراتان چیست؟

منصور حکمت: من فکر میکنم قضیه تقریبا سوررئالیستی شده. یک مبارز ضد آپارتاید را بیاورید این صحنه را نشانش بدهید، بگویند: این روزنامه "اکثریت" است، آن جمهوری اسلامی است و اینجا چپها و کمونیستها هستند. رژیم از اینها صدهزار نفری کشتار کرده، در آن مملکت زن حق ندارد حرف بزند و اخیرا معلوم شده که حتی راجع به نابرابری زنان هم نباید حرف زد. در آن مملکت زنان را به جرم عشق ورزی، به جرم اینکه به صاحب جنسی شان پشت کرده اند سنگسار میکنند. در آن مملکت قبر خیلی از آدمها معلوم نیست کجاست، خلیلیها نمیدانند عزیزترین کسانشان کجا دفن شده اند. این "اکثریت" که یک دوره با رژیم همکاری کرده، و این رژیم بوده که آنها را نخواستہ و بیرون کرده، حالا باز یک در باغ سبزی دیده، چنین سازمانی، قطعنامه صادر کرده و روشن ترین قربانیان خشونت را، از خشونت علیه رژیم در خارج کشور برحذر کرده است! من فکر میکنم میخندند. میخندند. فقط به این خاطر که ما به زبان مهجور فارسی حرف میزنیم و ادبیاتمان با خط مهجور فارسی نوشته میشود و دنیا از آن تاثیر نمیپذیرد و خبر ندارد، میتوانیم در این دنیای مالیحولیائی زندگی کنیم. وگرنه همه به این میخندند. این مردمند که تحت خشونت جمهوری اسلامی اند، این

تهییجی بود که اتفاقا اگر صحبت از عدالت باشد من فکر میکنم دیگر این تهییج را نباید داشته باشیم. عدالت یعنی اینکه هر کس مسئول کاری باشد که خودش کرده است.

رادیو انترناسیونال: سوال دیگری شده که آیا حمله به عوامل جمهوری اسلامی در خارج کشور، نقض آزادی بیان آنها نیست؟

منصور حکمت: حمله البته کلمه وسیعی است. حمله ممکن است مخالف قوانین آن کشور باشد. نمیشود کسی را زد و زخمی کرد، ممکن است چیزی مخالف آزادی بیان نباشد ولی غیرقانونی باشد، با سلامت جسمی شهروندان آن کشور در تناقض باشد. ولی اعتراض از پهلو، اعتراض پائین به پائین، اعتراض شهروند به شهروند، اعتراض بخش خصوصی به بخش خصوصی، نقض آزادی بیان نیست. اگر یک نفر بیاید دم خانه ما چهارپایه بگذارد و شروع کند اهانت کردن که برای مثال زن عقلش کمتر است، سیاهها کثیف اند، ایرانیها فلان جورید و یک سری حرفهای تبعیض آمیز و تحریک آمیز بزند، من ممکن است یک شیپور بر دارم و چنان با صدای بلند بزنم که کسی حرف او را نشنود. من آزادی بیان طرف را نقض نکرده ام، ممانعت کرده‌ام از زدن آن حرفهای مشخص در آن معبر معین در آن روز و ساعت معین. این کار حق من است. این آزادی بیان من است، به معنی expression، نه به معنی گفتار. آزادی نمایش دادن احساس و عواطفم به جامعه است و اگر این باعث بشود که او نتواند حرفش را بزند، فبها از نظر من. آزادی بیان مصونیت در مقابل تعرض بالاست. این تمام بحث حقوقی آزادی بیان است. آزادی بیان فرمول دیگری برای سعه صدر و "حالا بگذار حرفش را بزند" و "نظر هر کسی محترم است" نیست. آزادی بیان بحثی حقوقی است درباره مصون بودن شهروند از تعرض مقامات، نهادها و کانونهای سیاسی است که قدرت را در دست دارند یا میتوانند از کانال قوانین در زندگی آدمها تاثیر بگذارند. مصون بودن در مقابل تعدی آنهاست. اگر دولت مربوطه بیاید دست این شخص را بگیرد و ببرد ممکن است آزادی بیانش را نقض کرده و

دادگاه به نفع او رای بدهد. ولی اگر من شیپور بزنم، داد بزنم و جمعیت را بسیج کنم هو اش کنند، عین آزادی بیانم را ابراز کرده ام نه برعکس. آزادی بیان او وقتیکه اجازه اش را از پلیس گرفته تضمین شده است.

رادیو انترناسیونال: سوال مشابهی از آقای مصطفی مدنی شد بطور مشخص در مورد مهاجرانی، ایشان اعتقاد داشتند هرگونه آکسیون علیه گرایشی که در ایران دارد حال با زور، عقب نشینی، تمکین یا هرچیز، به درجه ای از مطالبات و آزادهای مردم گردن میگذارد از نظر ایشان نادرست است. اما سوال آخرم از شما، آیا حزب کمونیست کارگری، این گونه علیه سرورش یا استکهلم علیه مهاجرانی را ادامه خواهد داد و چگونه؟

منصور حکمت: اجازه بدهید راجع به صحبت آقای مدنی چیزی بگویم؛ من اگر جای مهاجرانی یا خاتمی باشم حتما تشکر میکنم از ایشان، حتما، چون چه دفاعی از این بهتر که یکی بیاید بگوید تعرض به اینها درست نیست. اگر مهاجرانی ادب داشته باشد باید بگوید خیلی متشکرم آقای مدنی. در مورد اینکه پرسیدید آیا اینگونه آکسیونهای حزب کمونیست گسترش پیدا میکند، یک عده فکر میکنند در مقابل حرکتهای سیاسی و اعتراضی ما بعنوان عناصر آزادیخواه آن جامعه علیه رژیم ارتجاعی ایران، با به اصطلاح طومار جمع کردن و اطلاعیه صادر کردن، مثلا فضای خارج کشور فضائی میشود که ما برویم در پناهگاه بنشینیم و جمهوری اسلامی بتواند در خارج جلساتش را بگذارد. ما از این طومار جمع کردنها راستش استقبال هم میکنیم. من این را دارم میگویم برای اینکه تعجب نکنند که علیرغم این "فشارها"، ما بر خودمان فشاری حس نمیکنیم. بخاطر اینکه مردم ایران دارند نگاه میکنند. آن کسی که در ایران دارد عین همین کار را که ما میکنیم میکند، یعنی رژیم را زیر فشار میگذارد، متحدش را در ما پیدا میکند و میگوید زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران که در خارج عرصه را به اینها تنگ کرده. اگر در این فاصله ایده های کج و کوله کسی،

ایده های به اصطلاح خود راضی کن کسی راجع به آزادی بیان که هیچ ربطی به مقوله آزادی بیان ندارد جریحه دار میشود، مشکل از تلقیات فلسفی طرف است. میتوانند به آزادی بیان از یک دریچه واقعی تر و سیاسی تر و واقعا انسانی تر نگاه کند، نه از زاویه تاکتیکی که چیزی به نفع خاتمی تمام میشود یا نه. ما در خارج اگر بتوانیم بطرق سیاسی (ما یک سازمان خشن نیستیم، ما یک سازمان سیاسی هستیم، تظاهرات میکنیم، آکسیون میکنیم، پیکت میکنیم، شعار میدهیم) از این طرق مشخص اگر ما بتوانیم مانع بشویم که یک عامل جمهوری اسلامی در خارج جلسه اش را تا آخر برگزار کند، ما به این می بالیم و به این کار ادامه میدهیم.

چیزی که بنظر من خیلی گویاست این است که خود طرفداران خاتمی در اپوزیسیون هیچ فرقی بین خودشان و این جناح قائل نیستند. مثلا اگر ما برویم به آقای مهاجرانی بگوئیم هو! آقای معرفوی این را به خودش میگیرد و میگوید سرکوب شدم. یا برای مثال اگر ما به سرورش اعتراض کنیم، یک نفر در سازمان بااصطلاح چیی ناراحت میشود. یعنی حاضر نیستند بین خودشان و سرورش، بین خودشان و مهاجرانی فرق بگذارند. این دیگر مشکل من نیست. ما علیه سرورش تظاهرات کردیم نه علیه همفکران سرورش در اپوزیسیون. هنوز کاری به اینها نداشته ایم. حتی اگر میکرديم حق داشتیم، ولی نکردیم. خط سیاسی ما این نیست که از فعالیت مخالفین رژیم ممانعت کنیم، حتی اگر این مخالفین رژیم شعارشان این باشد که باید با رژیم ساخت. ما سیاست پیکت کردن و ممانعت از تشکیل جلسات اینها را نداریم. آن بخشی که درست سوژه فعالیت و بااصطلاح پیکت کردن و ممانعت کردن ماست، خود رژیمی ها هستند. چه رژیمی الآن، چه رژیمی ای که تازه بازنشسته و منتظر خدمت شده. ما با دوربین روابط داخل جناحها را دنبال نمیکنیم که درست از همان لحظه که یک نفر مغضوب واقع شد، در آغوش بگیریم و بگوئیم به اردوی انقلاب پیوسته. به من چه که آقای سرورش چند وقت است به اپوزیسیون داخل

کشوری رژیم و طرفدار یک جور حکومت دیگر اسلام تبدیل شده. این مشکل آقای سرورش است با دوستان قدیمی اش. اینها با هم این حکومت را سر کار آورده اند. ولی اگر فرض کنید اکثریت برود جائی جلسه بگذارد، با اینکه موضعش با سرورش فرقی ندارد، ما قرارهای فعلی سازمانمان بر این نیست که مزاحم اکثریت در تشکیل جلسه اش بشویم. ولی این معنی اش این نیست که نمی رویم در سالن، دست بلند نمیکنیم، حرفمان را نمیزنیم. همه این کارها را میکنیم. ولی میتوانند مطمئن باشند که حزب کمونیست کارگری قصد جلوگیری از برگزاری سازمانهای اپوزیسیون را ندارد.

به هیچ وجه.

رادیو انترناسیونال: منصور حکمت متشکر از تماستون، اگر نکته پایانی ای دارید بفرمائید.

منصور حکمت: فقط میخواهم از همه دوستانی که بحال اوضاع ایران و از یک موضع واقعا آزادیخواهانه دل میسوزانند، خواهش کنم و بخواهم که به حزب کمونیست کارگری بپیوندند. این اوضاع اخیر دارد نشان میدهد کی کجا ایستاده. بعد از همه بحثها راجع به "دوران"، شوروی و چین، عصر نوین و نظم نوین جهانی، شیوه های تولید، پست_مدرنیسم و مدرنیسم و هرچی، بالاخره الان دارد روشن میشود چه کسانی علیه اسلام ارتجاعی عصر ما ایستاده اند، چه کسانی جلوی ناسیونالیسم ارتجاعی عصر ما ایستاده اند و بالاخره چه کسانی جلوی رژیم اسلامی ارتجاعی کنونی ایستاده اند. جای همه کسانی که دوست دارند در یک جامعه آزاد زندگی کنند و این را حق بشر میدانند، در حزب ماست. اسم ما حزب کمونیست کارگری است ولی درش بروی همه کسانی که میخواهند در صف این حزب برای این اهداف مبارزه کنند باز است و هر کسی که به این حزب بپیوندد از همان روز اول انگار سی سال است عضو این حزب بوده، همه حقوق دخالت در سرنوشت این حزب را دارد. فراخوانم به هر کسی که این روزها می بینم و یا حاضر است پنج دقیقه گوشش را به من قرض بدهد این است که بپیوندید به حزب ما.

توضیح:
بخش پایانی مقاله نادر بکتاش "مانیفست مارکس، مه ۶۸، انقلاب ایران" مندرج در ایسکرای ۶، که در پست الکترونیکی به ایسکرا افتاده بود، در اینجا درج میشود (لطفا در انتهای مطالبی که میفرستید، "پایان" یا امضا بگذارید). ایسکرا

ایسکرا
سردبیر:
E-Mail: fa.shaik@swipnet.se
همکار فنی:

فاتح شیخ الاسلامی
غلام اکبری

و بازتولید زندگی مادی جامعه را تضمین میکند، می‌خواهد از آخرین پیشرفتهای تکنولوژیک بهره ببرد و می باید جامعه را حاکم بر سرنوشت خودش بکند، انتظاراتی بس عظیمتر از مطالبات انقلاب قبلی دارند. فقط سنن و گرایشات طبقه حاکم که در حفظ دنیای کهن ذینفعند، میخواهند مردم به همین جمهوری‌اسلامی رضایت بدهند؛ فقط کوچک ابدال هایی که زندگی و حماقتها و شکستهای شخصی خود را به جای تاریخ می‌گیرند، فکر میکنند جامعه دیگر خواهان تغییر و انقلاب نیست و به پیشرفت هر نسل نیم‌میلیمتر

گرایشات سیاسی_ایدئولوژیک سنتی جامعه ایران به عقبتر از آنچه بوده‌اند بازگشته اند و در تلاشند خود را شایسته همزیستی با قرون وسطائیان حاکم بکنند. روشنفکران و ادیبان نسل آن زمان و دست پرورده هایشان در نسل بعدی، خود را از شر هر گونه وسوسه تحول و مدرنیته خلاص کرده‌اند و در فضای آزمایشگاهی ملی_ اسلامی تنفس می‌کنند. اما دهها میلیون زن و جوانی که با آنتن های ماهواره‌ای و کاست ویدئو مستقیما چشم به جهان گشودند و قالبهای تنگ "امت‌اسلام" و "هم میهن ایرانی" را برنمی تابند، نیروی عظیم کارگری که تولید

رضایت خواهد داد. این شور و اشتیاق غرنده و پرتحرک به آزادی و رفاه و مدرنیسم را نمی بینند و نمی شنوند. جامعه ایران بی‌تابانه منتظر است تا بزرگداشت مانیفست مارکس و مه ۶۸ را با انقلابی دیگر بگیرد: این نظام استثمار و از خود بیگان‌ساز و فرهنگ آن را درهم بکوبد و گامی بلند در جهت برابری افراد، آزادی زن، انقلاب جنسی، زیر سوال کشیدن اتوریتته‌های سنتی (پدران و بزرگسالان، خانواده، دولت) بردارد. و این تازه شروع کارش خواهد بود.

نادر بکتاش مه ۹۸

فعالیت‌های حزب در خارج کشور

سخنرانی‌های کارهای حزب آلمان:

سیاوش مدرسی سردبیر نشریه پوשה در خانه حزب در برلین زیر عنوان «اوضاع سیاسی ایران»
 - اعظم کم گویان عضم هیئت تحریریه انترناسیونال در شهر هامبورگ تحت عنوان «جنبش زنان و فمینیسم اسلامی» روز ۲۲ ماه مه و در شهر برلین با همان عنوان روز ۲۳ ماه مه
 - بهمن شفیق عضو کمیته مرکزی حزب در میز گردی تحت عنوان «جنبش چپ و مذهب» در برلین ۸ ماه مه
 - سیاوش مدرسی سردبیر پوשה در اولین برنامه خانه حزب در برمن تحت عنوان «حزب کمونیست کارگری ایران چه میگوید» ۷ ماه ژوئن
 - مینا احدی عضو کمیته مرکزی در خانه حزب کلن تحت عنوان «مسئله زنان در افغانستان، نکات گری، راه حلها» ۳۰ ماه مه
 - همایون گدازرگ کادر حزب کمونیست کارگری ایران تحت عنوان «ایران جامعه اسلامی نیست» در کاسل ۱۶ ماه مه
 - جلال محمودزاده عضو کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری ایران تحت عنوان «ایران اسلامی یا اپوزیسیون اسلام زده» در برمن ۱۷ ماه مه

واحد فرانسه حزب کمونیست کارگری ایران در جشن سه روزه "لوت اووریه" در پاریس

سازمان لوت اووریه ("مبارزه کارگری") هر ساله جشن سه روزه ای در حومه پاریس برگزار می‌کند. در این جشن سازمان‌های چپ از کشورهای مختلف میز کتاب و سخنرانی می‌گذرانند. در جشن امسال حدود چهار نفر شرکت داشتند. حزب کمونیست کارگری ایران واحد فرانسه علاوه بر گذاشتن میز کتاب دو سخنرانی زیر عنوان‌های «اسلام سیاسی در ایران، خاتمه» و «بازگشت مارکس» به زبان فرانسه داشت. تعداد زیادی از شرکت کنندگان از میز کتاب حزب دیدن کرده و در مورد اوضاع سیاسی ایران و مواضع و سیاست‌های حزب سوال و صحبت کردند رفقای ما ضمن پاسخگویی به سوالات، آنان را دعوت به تماس بیشتر و آشنائی نزدیکتر با حزب کردند.

مصاحبه ها:

- علی جوادی عضو کمیته مرکزی در مناظره با منوچهر گنجی و داریوش همایون در مورد تحولات

کردستان و شرکت فعال در جنگ میهنی بودند، و امروز هم حامی دمکراسی و پلورالیسم اسلامی جناب خاتمی اند. آنهایی که دیروز ما کمونیست‌های رادیکال را به خاطر دفاع از آزادی بی‌قیدو شرط، لیبرال خطاب می‌کردند و بخشی‌شان تحویل پاسداران می‌دادند، و امروز هم به خاطر همان آزادی‌بیان مهر استالینیست بر ما می‌زنند، در دفاع از جنایتکاران جمهوری اسلامی در مقابلمان براق می‌شوند و روبرویمان باریکاد می‌بندند. فعلاً، آقای سرکوهی از مردم حرف می‌زند تا به خاتمی یا اپوزیسیون مدافع آن متوهمشان کند. از سیاست می‌گوید و می‌نویسد تا، علیرغم هر نیتی، روند سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی را کند کند. به این نحو، رسیدن بهار آزادی را تسریع نخواهد کرد، مردم را به انتظار گودو خواهد نشانند.

در دفاع از حقوق کودکان
 اسماعیل مولودی کادر حزب کمونیست کارگری ایران و از فعالین کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، که عضو و فعال سازمان نجات کودک Radda Barnen سوئد نیز هست، در جلسه سالانه این سازمان که روزهای ۲۳ و ۲۴ می در شهر اسکستونا برگزار شد پیشنهادی حاوی دو بند ارائه داد: ۱- سازمان نجات کودک برای ممنوع کردن حجاب، برای دختران کمتر از ۱۶ سال، در مدارس سوئد فعالیت کند ۲- سازمان نجات کودک تلاش کند، که تمام دختران در مدارس بدون در نظر گرفتن مذهب، در کلیه فعالیت‌های مدرسه شرکت کنند. بند دوم این پیشنهاد در این جلسه به تصویب رسید. در همین زمینه رادیو فارسی زبان پژواک در سوئد با اسماعیل مولودی مصاحبه کرد.

علیه سیاست‌های ضد پناهنده دولتهای کانادا، سوئد و آلمان
 واحدهای حزب کمونیست کارگری در کانادا، آلمان و سوئد طی اطلاعیه هائی ضمن افشای سیاست ضد پناهنده دولتهای مربوطه، پشتیبانی خود را از فعالیتهای فدراسیون پناهندگان علیه طرحهای ضد انسانی این دولتها برای اخراج پناهندگان، اعلام کردند.

کانادا
 در کانادا فعالیتهای فدراسیون علیه سیاست دولت کانادا برای اخراج هزاران پناهنده، با حمایت وسیع سازمان‌های کارگری، زنان و دیگر نهادها و شخصیت‌های آزادیخواه ادامه دارد. واحد فدراسیون در کانادا به دنبال یک سری تظاهرات که روز ۲۹ مه در

چند شهر کانادا برگزار کرد، طی نامه سرگشاده ای به وزیر مهاجرت آن کشور خواستار مذاکره در این زمینه شده و هشدار داده است که در صورت امتناع وزیر مهاجرت از مذاکره، آکسیونهای خیابانی خود را با حمایت سازمانها و نهادها و شخصیت‌های آزادیخواه کانادائی و غیر کانادائی از سر خواهد گرفت.

سوئد
 در سوئد واحد فدراسیون در اعتراض به قصد دولت سوئد برای اخراج چند پناهنده ایرانی که توسط پلیس زندانی شده اند، دست به فعالیت زده است. یکی از این پناهندگان بنام جمشید، با اینکه پس از اقدام به خودکشی، چند روز در بخش اورژانس بستری بود توسط پلیس به زندان برگردانده شد و از طریق هلند به ایران دیپورت شد.

آلمان
 در آلمان نیز واحد فدراسیون پناهندگان ایرانی خبر از درگیری و کشمکش بین پناهجویان و مقامات دولتی در ایالت بایرن میدهد. محمدرضا بیات فر، کارگر نفت که از یکسال پیش در آلمان تقاضای پناهندگی کرده، اوائل ژوئن توسط پلیس آلمان در شهر آمبرگ دستگیر شده و خطر دیپورت وی را تهدید میکند. تشکیلات آلمان حزب همراه فدراسیون پناهندگان ایرانی کمپینی برای نجات وی راه انداخته اند.

فعالین حزب و فدراسیون به مدت یک هفته (از ۸ ژوئن) در شهر آمبرگ تحصنی در اعتراض به دستگیری وی داشتند، که در رسانه های شهر منعکس شد و روزنامه اصلی شهر هرروز گزارشی از این تحصن چاپ میکرد. تشکیلات آلمان حزب و دفتر فدراسیون در آلمان طی نامه‌ای به اتحادیه های کارگری و سازمانهای مترقی و انساندوست ضمن افشا جمهوری اسلامی و سیاست ضد پناهندگی دولت آلمان مبنی بر امن اعلام کردن ایران و دیپورت پناهجویان ایرانی، از آنان خواست که به دستگیری محمدرضا بیات فر اعتراض کرده و خواهان آزادی فوری وی شوند. فدراسیون پناهندگان ایرانی، برای جمعه ۲۶ ژوئن فراخوان به تظاهرات در مقابل وزارت امور داخله آلمان در بن و همزمان در مقابل دفتر سبزا در شهر دورتموند داده است. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان هم ضمن حمایت همه جانبه از این مبارزه، همه نیروهای مترقی و انسانهای شریف را به حمایت از پناهجویان و مبارزات آنان، اعتراض به سیاست ضد پناهندگی دولت آلمان، مبارزه برای لغو دیپورت پناهجویان ایرانی، لغو سیاست امن دانستن ایران، برسمیت شناختن حق پناهندگی همه پناهجویان ایرانی و آزادی فوری کلیه پناهندگان زندانی از زندانهای دیپورتی فرا خوانده است.

"عادی سازی روابط میان جمهوری اسلامی و آمریکا، آری یا نه، و چرا؟"

این سوال را چند ماه پیش سردبیری نشریه راه کارگر، با قید کوتاه بودن جواب، برای منصور حکمت فرستاد و پاسخ آن را در شمره فروردین ماه نشریه چاپ کرد.

منصور حکمت: این سوال متاسفانه پاسخ آری یا نه ندارد، زیرا چه پاسخ آری و چه نه، خواه ناخواه بر مفروضاتی در خود سوال صحه میگذارد که غیر حقیقی و گمراه کننده است. نظیر این سوال که "تابعیت ولی فقیه به قانون اساسی آری یا نه و چرا؟" در مورد سوال شما اولاً، هردو پاسخ متضمن پذیرش رژیم اسلامی بعنوان یک دولت از نظر حقوقی معتبر است، که حال گویا میشود در مورد روابط خارجی اش نظر داشت و مشاوره داد. من با همان شدتی که مخالف تحریم اقتصادی ایران هستم، خواهان رد اعتبارنامه رژیم اسلامی بعنوان دولت ایران و اخراج مقاماتش از همه نهادهای بین المللی هستم. جمهوری اسلامی همانقدر دولت ایران است که رژیم آپارتاید دولت آفریقای جنوبی بود و یا رژیم دوالیه ها دولت هائیتی بود. ثانیاً، این تصور القا میشود که موضوع عادی سازی روابط آمریکا و رژیم اسلامی بعنوان یک احتمال یا رویداد سیاسی واقعی طرح شده و پاسخ میطلبد. حال آنکه این بحث جزئی از پلانفرم سیاسی جناح خاتمی و بخشی از یک ابتکار و تعرض سیاسی در جدال جناحهاست. نفس ورود به این بحث به این شکل غیر انتقادی، در حکم پذیرفتن دستور بحث از جناح خاتمی است. عادیسازی عملی رابطه آمریکا و رژیم اسلامی، در گرو تعیین تکلیف جدی تر جناحهای حکومت است. و این تعیین تکلیف در شرایطی که مردم در کمین رژیم نشسته اند نفس بقاء حکومت اسلامی را زیر سوال خواهد برد. و این آن چیزی است که باید توسط چپ در مرکز مباحثات اجتماعی قرار داده شود. اما بهرحال، در پاسخ مستقیم به سؤالتان، روند عادی شدن روابط رژیم ایران با آمریکا، با اعتراض و مخالفت ما، بعنوان کمونیست‌های دشمن اسلام و رژیم اسلامی و مخالف میلیتاریسم و هژمونیسم آمریکا، روبرو نخواهد شد. این روند بخشی از پروسه فرسایش و زوال رژیم است و در همین چهارچوب باید بعنوان یک داده عینی سیاسی بررسی بشود و نه قضاوت.



انتشارات نسیم

منتشر کرده است:

- * نامه هائی به آقای رئیس نادر بکتاش
- * آرمانها و توهمات جعفر رسا
- * اسلام، زنان، مصافها و چشم اندازه اعظم کم گویان
- * بردگان ارزان سوسن بهار - بیژن هدایت
- * کاروان اسلام - افسانه آفرینش - حاجی آقا صادق هدایت
- * مجموعه نوشته هائی در پاسخ به عبدالله مهدی منصور حکمت - حمید تقوایی - فاتح شیخ الاسلامی و ...
- * راه کارگر: سکولاریسم یا فرماسیون مذهبی محمود قزوینی

منتشر می کند:

- * اتحادیه کمونیست ها و چارلیست ها درباره محاکمه کمونیست ها در کلن مارکس - انگلس
- * بررسی مختصر تئوری های فمینیستی حسن احمدی
- * بازخوانی مارکس جعفر رسا

کتاب، مجلات، آفیش، کارت ویزیت وسایر کارهای چاپی خود را برای تایپ و طراحی و چاپ به انتشارات نسیم بسپارید! انتشارات نسیم، با ارزاترین قیمت، بهترین کیفیت و سریعترین زمان ممکن، کارهای چاپی شما را هر جا که بخواهید، تحویل میدهد!

Nasim
 Box9069_
 10271 Stockholm
 46-8-6488694
 4122379-3

فاکس:
 جیروی پستی:

رویدادهای ایران

برکناری وزیر کشور

روز یکشنبه ۳۱ خرداد، استیضاح عبدالله نوری وزیر کشور در مجلس اسلامی، به رای عدم اعتماد کشیده شد. جناح مخالف خاتمی با اکثریت ضعیفی (۱۳۷) در برابر (۱۲۸) نوری را برکنار کرد اما ساعتی بعد خاتمی او را به معاونت خود در امر توسعه و امور اجتماعی برگزید. خاتمی همچنین مصطفی تاجزاده معاون وزیر کشور، که متعلق به جناح خود اوست را، به سرپرستی وزارت

کشور گماشت. به این ترتیب خاتمی با صراحت و سرعت بیسابقه ای به تعرض جناح مخالف واکنش نشان داد. برکناری وزیر کشور از سوی مخالفان خاتمی، که از اکثریت شکننده ای در مجلس اسلامی برخوردارند، مهمترین رویداد سیاسی ایران یک سال گذشته و نشانه جدیدی از بالاگرفتن کشمکش دو جناح رژیم است. با اینکه طی روزهایی که بحث استیضاح نوری مطرح بود خاتمی چند بار صریحاً از او پشتیبانی کرد، طرح کنندگان استیضاح با انکار مخالفت با رئیس جمهور، هدف از این کار خود را "تقویت دولت" قلمداد می‌کردند! با رای عدم اعتماد این جناح و واکنش

سریع خاتمی در انتصاب نوری به معاونت خود، دو تکه شدن رژیم، یک سال و اندی پس از انتخاب خاتمی، به واقعیت بازگشت ناپذیری بدل شده است. رسانه های طرفدار خاتمی برکناری وزیر کشور را تمهید جناح مقابل برای عقب راندن طرفداران خاتمی در انتخابات های آتی خبرگان، "شورا"های محلی و مجلس ششم، ارزیابی می‌کنند. اما مقدم بر صف آرایی های انتخاباتی، جدال روزمره در عرصه های اجرایی قدرت، در جریان است و هم اکنون محاکمه کرباسچی، تعطیل احتمالی روزنامه جامعه، کشمکش گروههای اسلامی در دانشگاهها و برخورد به مساله آینده مناسبات با آمریکا صحنه

های جاری این جدال فزاینده در دو سوی رژیم تکه شده اسلامی است. و این در حالی است که با توجه به وخامت اوضاع اقتصادی رژیم، افزایش بیش از دو برابر اکثر اقلام هزینه زندگی از سال پیش تاکنون، هر آن بر عمق و گستردگی نارضایتی دهها میلیون مردم میافزاید و آمادگی این مردم بجان آمده برای استفاده از فرصت هر شکافی و از آن مهمتر، تهدید کارگران نفت به اعتصاب چون شمشیری بر سر کلیت رژیم آویزان است.

درگیری مردم یک شهرک در مریوان با

مأمورین انتظامی روز ۲۵ خرداد مردم شهرک "جوجه سازی" مریوان در اعتراض به وضعیت مشکل ساز جاده ای که از وسط شهرک میگذرد، به مدت چند ساعت این جاده را بر روی وسایل نقلیه بستند. بنا به اطلاعیه کمیته مریوان حزب کمونیست کارگری ایران (اول تیرماه - ۲۲ ژوئن) حدود ۱۴ ماه است که رژیم به مردم این شهرک وعده مرمت جاده را داده، اما تاکنون به آن عمل نکرده است. از آنجا که این جاده، مسیر ارتباطی اصلی سنندج - مریوان است و وسایل نقلیه زیادی از آن عبور میکنند،

کارگران و به آزمایش گذاشتن است. نیروهای نظامی اخطار کرده اند که "بنا به منافع ملی" تظاهرات باید پراکنده شود. ارتش همزمان ساختمان مرکزی اتحادیه SBSI را محاصره کرده است. تا لحظه تنظیم این خبر تظاهرات کارگران در جلو پارلمان ادامه داشت. طی هفته های اخیر تعداد دیگری از زندانیان سیاسی اندونزی با عفو محدود رژیم، آزاد شده اند اما این عفو تاکنون شامل هیچیک از زندانیان شناخته شده کمونیست نشده است.

پسری که دسترسی به ازدواج ندارند، نصف شب در صندوق خانه اتاقشان تماشا میکنند، چه حالی به آنها دست میدهد؟ این جوانان ایران که صبح به میحط دانشگاه میآیند آرامش ندارند. شب خوابشان نبرده، امکان ارضای غریزه جنسی بصورت مشروع نداشته اند چراکه ازدواج سخت است و مشکلات دارند.

خواست افزایش دستمزد و قراردادهای دسته جمعی را با نیروی سرکوبگر پاسخ میدهد. بدنبال بحران اقتصادی و مالی آسیای شرقی که به کاهش شدید نرخ روپیه انجامیده، شرایط زندگی کارگران اندونزی بیش از پیش مشقت بار شده و طبق برنامه دولت، در جوابگویی به شرایط IMF (بانک جهانی)، قرار است هشت میلیون و نیم کارگر بیکار شوند. دو تظاهرات اخیر عملاً استفاده از فضای باز سیاسی مورد ادعای رئیس جمهور جدید توسط

ضدشورش درگیر شدند. حد اقل پنج پلیس و سه کارگر زخمی و روانه بیمارستان شدند. این دو تظاهرات بزرگ کارگری به فاصله دو هفته، بزرگترین گردهمایی خیابانی از زمانی است که رئیس جمهوری جدید، بدنبال شورشهای اخیر و مبارزات گسترده توده ای، محدودیتهای تشکل و تجمع کارگری را تعدیل کرده است. طی این مدت حبیبی، کنوانسیون حقوق کارگری ILO، سازمان جهانی کار را امضاء کرده است، با این حال اعتصاب و تظاهرات کارگران برای

ممانعت از پیوستن مردم معترض به صفوف آنان، خیابانهای اطراف را بستند. کارگران از جمله خواهان آن هستند که تشکل آنها قانونی شود، همه زندانیان فوراً و بدون استثناء آزاد شوند و انتخابات بلافاصله برگزار گردد. این تظاهرات بدنبال تظاهرات دو هفته پیش ده هزار کارگر اعتصابی در سورابایا دومین شهر اندونزی صورت میگردد. روز ۱۸ خرداد (۸ ژوئن)، کارگران اعتصابی در یک تظاهرات بزرگ، در مقابل ساختمان پارلمان محلی شهر سورابایا با پلیس

رئیس جمهور جدید را به مصاف طلبیده اند. کارگران متشکل در اتحادیه SBSI، که گفته میشود نیم میلیون عضو دارد و چهره اصلی آن مختار پاکپاهان یک ماه پیش از زندان آزاد شد، در صفوف منظم و در حالیکه مطالبات خود را بر باندرولهای بزرگ و پلاکاتهای بیشمار نقش کرده بودند مارش خیابانی خود را تا جلو پارلمان رساندند و خواهان استعفای حبیبی رئیس جمهور جدید شدند. نیروهای نظامی به منظور محاصره کارگران و

نگاهی به اخبار جهان

تحول جدید در اوضاع

سیاسی اندونزی:

کارگران به میدان آمده اند

روز سوم تیر (۲۴ ژوئن) بار دیگر نیروهای نظامی در خیابانهای جاکارتا پایتخت اندونزی موضع گرفتند، اما این حضور سرکوبگرانه در برابر دانشجویان، یا عصیان مردم بجان آمده یا معترضین تیمور شرقی نیست، بلکه در برابر صف متشکل کارگرانی است که

از نشریات داخل

عصر ما خرداد ۷۷

نسبت دادن ناآرامی تهران و نجف آباد به وزیر کشور توسط رحیم صفوی، مقدمه نوعی جبهه آرایی و برخورد با ارگانهای رسمی است. صحبت صفوی مبنی بر اینکه "یک پدیده نفاق در لباس آخوندی در حال شکل گیری است" یا

اینها لباس آخوندی به تن دارند ولی منافقند و از قانون دم میزنند"

نشان میدهد که شخص رئیس جمهور هدف اصلی رحیم صفوی است.

همشهری ۱ تیر ۷۷

از قول نظری نیا نماینده مجلس اسلامی: جناح راست برای رسیدن به اهداف خود در انتخابات مجلس خبرگان، شوراها و مجلس ششم،

اقدام ناشی از فقر بوده است. بر اثر فقر همچنین چهار خواهر در یک خانواده اقدام به خودکشی دسته جمعی کردند که یکی از آنان زنده ماند.

کار و کارگر ۱۸ خرداد

بدنبال آزمایشهای اتمی هند و پاکستان ایران بعنوان یک دولت پیشتاز اسلامی به بمب اتمی اسلامی نیاز دارد!

سازمان جهانی کار باید پاسخ بدهد

مصطفی صابر

کنفرانس جهانی کار چند روز پیش پایان یافت و اطلاعیه پایانی آن در ۱۹ ژوئن ۹۸ انتشار یافت. خبری از محکومیت جمهوری اسلامی ایران در آن نیست!

یک سال قبل، ۱۹ ژوئن ۹۷، در اطلاعیه پایانی کنفرانس جهانی کار نام جمهوری اسلامی ایران در صدر لیست پنج کشوری که "استانداردهای بین المللی کار را زیر پا گذارده اند"، آمده بود. اما در اطلاعیه های پایانی امسال حتی اشاره ای هم به موضع سال قبل کنفرانس نیست. سوال اینست: در این یک سال وضعیت کارگران ایران چه تغییری کرده است؟ گرچه در کنفرانس پارسال، عدول ایران از استانداردهای بین المللی فقط در یک مورد "تبعیض در استخدام بر اساس جنسیت، مذهب و عقاید سیاسی" قید شده بود، اما حتی در این مورد چه تغییر اساسی در ایران صورت گرفته است؟ در این یکسال تبعیض علیه زنان نه فقط در استخدام که در تمام ابعاد اجتماعی با قوت ادامه داشته، تا آنجا که آپارتاید جنسی حاکم در ایران دارد کار را به زنانه و مردانه کردن بیمارستانها میکشاند! در این یک سال رهبران کمونیست و رادیکال کارگری که در لیست سیاه رژیم قرار دارند نه فقط نتوانستند به کار خود برگردند که لیست رژیم طویل تر شده است. تبعیض بر اساس مذهب و اعتقادات مذهبی، چه در استخدام و چه در عرصه های دیگر همچنان ادامه داشته است. بعلاوه و مهمتر از آن در این یک سال اعتصابات بسیاری با سرکوب و دستگیری و زندان روبرو شدند، کارگران همچنان از حق داشتن تشکل های واقعی خود محروم بودند، و ... این در حالی است که سازمان جهانی کار توسط شکایات و نامه های مختلف، بویژه از طرف حزب کمونیست کارگری ایران، در جریان اوضاع قرار گرفته است.

کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار بجای اینکه محدودیت موضعگیری سال قبل خود را جبران کند و به همه جوانب زیر پا گذاشته شدن استانداردهای بین المللی کار در ایران، بویژه فقدان حق تشکل و اعتصاب، اشاره کند، یک قدم هم به عقب گذاشته است! این رفتار سازمان جهانی کار بیشک مورد اعتراض و انزجار کارگران ایران و سایر نقاط جهان است. سازمان جهانی کار باید در قبال این رفتار شرم آور پاسخ بدهد.

۲۰ ژوئن ۹۸

از صفحه حزب در اینترنت دیدن کنید: <http://www.wpiran.org>

به حزب کمونیست کارگری ایران کمک مالی کنید

مأمورین انتظامی

روز ۲۵ خرداد مردم شهرک "جوجه سازی" مریوان در اعتراض به وضعیت مشکل ساز جاده ای که از وسط شهرک میگذرد، به مدت چند ساعت این جاده را بر روی وسایل نقلیه بستند. بنا به اطلاعیه کمیته مریوان حزب کمونیست کارگری ایران (اول تیرماه - ۲۲ ژوئن) حدود ۱۴ ماه است که رژیم به مردم این شهرک وعده مرمت جاده را داده، اما تاکنون به آن عمل نکرده است. از آنجا که این جاده، مسیر ارتباطی اصلی سنندج - مریوان است و وسایل نقلیه زیادی از آن عبور میکنند،

درگیری مردم یک شهرک در مریوان با

کارگران و به آزمایش گذاشتن است. نیروهای نظامی اخطار کرده اند که "بنا به منافع ملی" تظاهرات باید پراکنده شود. ارتش همزمان ساختمان مرکزی اتحادیه SBSI را محاصره کرده است. تا لحظه تنظیم این خبر تظاهرات کارگران در جلو پارلمان ادامه داشت. طی هفته های اخیر تعداد دیگری از زندانیان سیاسی اندونزی با عفو محدود رژیم، آزاد شده اند اما این عفو تاکنون شامل هیچیک از زندانیان شناخته شده کمونیست نشده است.

پسری که دسترسی به ازدواج ندارند، نصف شب در صندوق خانه اتاقشان تماشا میکنند، چه حالی به آنها دست میدهد؟ این جوانان ایران که صبح به میحط دانشگاه میآیند آرامش ندارند. شب خوابشان نبرده، امکان ارضای غریزه جنسی بصورت مشروع نداشته اند چراکه ازدواج سخت است و مشکلات دارند.

خواست افزایش دستمزد و قراردادهای دسته جمعی را با نیروی سرکوبگر پاسخ میدهد. بدنبال بحران اقتصادی و مالی آسیای شرقی که به کاهش شدید نرخ روپیه انجامیده، شرایط زندگی کارگران اندونزی بیش از پیش مشقت بار شده و طبق برنامه دولت، در جوابگویی به شرایط IMF (بانک جهانی)، قرار است هشت میلیون و نیم کارگر بیکار شوند. دو تظاهرات اخیر عملاً استفاده از فضای باز سیاسی مورد ادعای رئیس جمهور جدید توسط

اقدام ناشی از فقر بوده است. بر اثر فقر همچنین چهار خواهر در یک خانواده اقدام به خودکشی دسته جمعی کردند که یکی از آنان زنده ماند.

کار و کارگر ۱۸ خرداد

بدنبال آزمایشهای اتمی هند و پاکستان ایران بعنوان یک دولت پیشتاز اسلامی به بمب اتمی اسلامی نیاز دارد!

شهرام صنیعی

نظرسنجی ماهنامه نیستان از جوانان درباره دین

نفرت از اسلام و مذهب روز بروز در جامعه ایران ابعاد گسترده تری می یابد. بیست سال حکومت اسلامی در ایران، تمام لجنزاری را که در اعماق حوزه ها کبک زده بود، برای مردم رو کرده است. آخرین شماره ماهنامه نیستان چاپ تهران، طی نظرسنجی مفصلی از جوانان، نظرشان را در مورد دین جویا شده است. مقاله خواندنی "جوانها و مبارزه با دین" با اشاره به این نظرسنجی جالب، میگوید نظر قریب به اتفاق جوانان این است که بی دینی بهتر از یک حکومت دینی است. آنها گفته اند این چه دینی است که به انسان اجازه نفس کشیدن نمی دهد، و نکات فراوان دیگری که جوانان با طرح آن، نفرت و انزجار خود از دخالت مذهب در زندگی شان را بیان کرده اند. امثال سروش و مدافعانش و همچنین خاتمیون اپوزیسیون، میکوشند این نفرت عمومی از مذهب را بطرف "اسلام دولتی" و نوع "بد" آن کانالیزه کنند. اما برای جوانان که بیش از نیم جمعیت ایران را تشکیل میدهند در واقع اسلام "خوب" مفهومی ندارد. آنها به جهان نگاه می کنند و توقعات خود را بیان می کنند. آنها خواستار یک زندگی مدرن منطبق با استانداردهای موجود در آخرین سالهای قرن بیستم هستند و می بینند که اسلام و قوانینش چگونه مانع زندگی شادشان شده است. و نیز می دانند که سرانجام جلوی شادی و آزادی شان را با هیچ خدایی نمی توان گرفت. جوانان به همراه سایر مردم ایران خواهان برچیده شدن بساط اسلام و حکومتش از جامعه هستند. اعتصابات کارگری، اعتراضات توده ای و مبارزات زنان و جوانان طی یک سال اخیر نشان داده که اکثریت عظیم مردم ایران خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند و از این خواست خود کوتاه نخواهند آمد.

ژوئن ۹۸

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K
Box 29065
100 52 Stockholm
Sweden

Postfach 103137
50471 Köln
Germany

BM Box 8927
London WC1N 3XX
England

W.P.I
Box 719stn.P
Toronto, ONT .M5S 2Y4
Canada

Postgiro: 4492709-3
K.A.K Box 29065
100 52 Stockholm
Sweden

Z.I.KONTO: 17116703
BLZ: 10090000
Berliner Volksbank
Germany

Account No:07687
Royal Bank of Canada
10 Eglinton Ave. E
Toronto, Ont M4P 2W7
Canada

Fax: (46) 08-659 82 22

E.Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se

تلفن تشکلات خارج کشور
(۴۶)۰۷۰-۵۸۸۵۸۳۶
دوشنبه، چهارشنبه، جمعه ساعت ۱۴-۱۱